



ارزیابی توسعه منطقه ای بر اساس رویکرد مکان محور (نمونه موردی منطقه ساحلی مکران)

محمد مهدی شیخ ویسی^۱

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه یزد

Assess Regional Development Based On A Place-based Approach

(Case Study Of Makran Coastal Area)

Mohammad Mahdi sheikhveisi¹

1- Master student of regional planning, Yazd University

*Corresponding Author: E- E-mail : mehdisheykhveysi7@yahoo.com

چکیده

لازمه توسعه در جهان امروز حرکت از پایین به بالا است. این نگرش موجبات توجه به پتانسیل و نقاط رشد را فراهم و همچنین این امکان به وجود می آید تا همه مناطق که قابلیت توسعه و معرفی دارند، مورد توجه قرار گیرند. برنامه ریزی و توسعه منطقه ای با چالش های جدید روبه رو است، یکی از این چالش ها توسعه مکان محور می باشد، بنابراین بنظر می رسد بررسی منطقه ساحلی مکران در این زمینه با توجه به قابلیت و پتانسیل های موجود حائز اهمیت است. هدف این مقاله ارزیابی طرح توسعه منطقه ساحلی مکران با رویکرد مکان محور است، همچنین در پاسخ به این سوال که طرح توسعه منطقه ساحلی مکران تا چه حد مبتنی بر رویکرد مکان محور است؟ به این نتیجه می رسیم که طرح توسعه منطقه در جهات زیادی با معیار های رویکرد مکان محور مطابقت دارد. روش پژوهش از نوع تحلیلی می باشد. طرح توسعه منطقه به منظور دستیابی به جهات اصلی توسعه آن مطالعه شد، همچنین عوامل کلیدی و پیشران های رویکرد مکان محور تهیه که با نرم افزار میک مک مورد ارزیابی قرار گرفت و در نهایت با تحلیل منابع موجود به میزان مطابقت طرح توسعه منطقه ساحلی مکران با رویکرد مکان محور منتهی شد. نتایج حاکی از آن است که باتوجه به مطابقت طرح توسعه منطقه و معیارهای رویکرد مکان محور علی رغم همه تلاش و سیاست گذاری ها برای طرح توسعه مکران، با وجود همه پتانسیل و قوت های منطقه همچنان حرکت توسعه ای و رفع موانع آن راهگشا و قابل قبول نیست.

واژه های کلیدی

توسعه منطقه ای، رویکرد مکان محور، مناطق ساحلی، منطقه ساحلی مکران

Abstract

Development in the world today requires moving from the bottom up. This attitude provides attention to the potential and growth points, and also makes it possible to consider all areas that have the ability to develop and introduce. Regional planning and development faces new challenges, one of which is place-based development, so it seems important to study the Makran coastal area in this regard, given the existing capabilities and potentials. The purpose of this article is to evaluate the Makran coastal development plan with a place-based approach, also in response to the question to what extent is the Makran coastal development plan based on a place-based approach? We conclude that the regional development plan in many ways complies with the criteria of the place-based approach. The research method is analytical. The regional development plan was studied in order to achieve the main aspects of its development. Also, the key factors and drivers of the place-based approach were prepared, which were evaluated with Mick Mac software, and finally by analyzing the available resources The place-based approach led. The results indicate that according to the compliance of the regional development plan and the criteria of the place-based approach, despite all efforts and policies for the Makran development plan, despite all the potentials and strengths of the region, the development movement and removal of barriers continue. it is unacceptable.



Keywords: Regional development, place-based approach, coastal areas, Makran coastal area.

۱- مقدمه

توسعه منطقه ای^۱ دارای یک تاریخچه گسترده است علاوه بر این، زمینه سیاست توسعه منطقه ای همواره با چالش های جدید روبرو است که یکی از این چالش ها توسعه مکان محور^۲ می باشد. طی صد سال گذشته، دولت های سراسر جهان از ترکیبات متنوع مداخلات به طور مستقیم یا غیرمستقیم استفاده کرده اند. اخیراً مکان هایی با هر شکل و اندازه در جهان دست خوش تغییرات عمیقی شده اند. ترکیبی از تغییر روندهای اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و سیاسی که زمینه جدیدی را در جهان پدید آورده است و همچنین باعث ایجاد تحولات تفکری، سیاست و شاید به میزان کمتری از عمل در توسعه منطقه ای شده است. در گذشته نوعی چارچوب فکری وجود داشته که معیار تغییرات و اقدامات بوده است و نوعی سیستم شمال و جنوب را پدید می آورده که منطقه شمال بخش پیشرفته و توسعه یافته، در حالی که مناطق جنوبی بخش توسعه نیافته یا کمتر توسعه یافته را شامل می شده است. به همین دلیل همیشه سعی بوده که بخش جنوبی را توسعه دهیم و این یک تفکر غالب است. اکنون توسعه برای هر جا با هر جایگاهی امکان پذیر است و تفکرات به سمت توسعه مکان محور هستند و امروز دیگر بحث های شمال جنوب مطرح نخواهند بود.

برخی این تحول کیفی را به عنوان تغییر از الگوی قدیمی توسعه منطقه ای توصیف کرده اند که سعی در پیشرفت مناطق عقب مانده به الگوی رشد جدید دارد که معمولاً سیاست یا توسعه مکان محور نامگذاری می شوند. الگوی مکان محور توسط برخی بعنوان یک گزینه موثر به رویکردهای جبرانی قدیمی برای توسعه منطقه ای و پیشرفت در مناطق کم توسعه یافته و دارای پتانسیل های مناسب، پیشنهاد شده است. الگوی جدید تلاشی است برای تدوین شیوه های نوظهور پیرامون توسعه منطقه ای، مبتنی بر یک جنبه اصلی که بیان میکند: همه مکان ها قابلیت رشد دارند. روش های توسعه منطقه ای مبتنی بر مکان اکنون در سراسر جهان از جمله آفریقا، استرالیا، اروپا گسترده است، این در حالی است که گفتمان توسعه مکان محور اروپا شیوه های نوظهور را به عنوان یک استراتژی ضمنی متری برای توسعه که ریشه در ایده های اصلاحات نهادی و نوآوری دارد بیان می کند، اما در ادبیات ایالات متحده بیشتر با مداخلات یا سیاست های هدفمند فضایی مرتبط است که از مکان های محلی برخلاف آنچه توسط دولت مرکزی یا ایالتی طراحی شده منشأ می گیرد. مسئله حائز اهمیت در این پژوهش توجه به منطقه ساحلی مکران می باشد که علیرغم پتانسیل ها و امکانات موجود جهت رشد و توسعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش از نظر توجه به قابلیت های رشد منطقه ساحلی مکران با رویکرد مکان محور همسو و از نظر سنجش میزان همپوشانی طرح توسعه منطقه با معیار های رویکرد مکان محور، متفاوت خواهد بود. الگوی جدید توسعه منطقه ای با هدف ایجاد فرصت برای همه مکان ها و استفاده از پتانسیل خود شکل گرفته همچنین اینکه به همه افراد این امکان را دهد که به طور مستقل از محل زندگی خود در جامعه قرار بگیرند، از این رو، روش های مبتنی بر مکان برای مناطق روستایی به همان اندازه که در مناطق شهری هستند نیز قابل استفاده می باشند. بنابراین هدف پژوهش، ارزیابی طرح توسعه منطقه مکران با رویکرد مکان محور می باشد علاوه بر این پاسخ به این سوال که طرح توسعه منطقه تا چه حد، منطبق بر معیار

¹ regional expansion

² place-based development



های رویکرد مکان محور می باشد مد نظر قرار گرفته است. بنابراین می توان رویکرد مکان محور را به عنوان موضوعی درک کرد که می خواهد به برابری در زمینه های اقتصادی و اجتماعی بپردازد (Lee Pugalís, Nick Gray: 2016).
عمران و آبادانی سواحل مکران، از لحاظ ارتقاء سطح کیفیت زندگی، بهبود وضعیت و رفاه ساکنین در این مناطق و هم به دلیل پیوند محکم آن با منافع ملی در ابعاد سیاسی و اقتصادی دارای اهمیت بالایی است. سهم اندک جمعیت ساکن در همسایگی دریاها به ویژه سواحل مکران حکایت از کم توجهی برنامه ریزان به استفاده از ظرفیت سواحل جنوبی به ویژه دریای عمان در توسعه و رونق اقتصادی اجتماعی منطقه دارد (ترکان، شهبازی، ۱۳۹۴). بنابراین با توجه به مطالب فوق مطالعه و توجه به این بخش از سواحل جنوبی کشور بسیار حائز اهمیت می باشد، پس با توجه به رویکرد مکان محور و تاکید آن بر رشد منطقه با شناسایی پتانسیل ها و قابلیت هایی موجود در آن، می توان موجبات رشد و توسعه را در این منطقه به وجود آورد.

۲- پیشینه پژوهش

تنظیم چارچوب این مطالعه نیاز به تجزیه و تحلیل اولیه و تعریف کلمات کلیدی مشخص شده در هدف مطالعه مانند برنامه ریزی منطقه ای^۱، توسعه منطقه ای و سیاست مکان محور (مبتنی بر مکان) دارد.

۲-۱- برنامه ریزی منطقه ای: برنامه ریزی منطقه ای شامل رهنمودها و خطوط اساسی و هدایت گر توسعه و رشد منطقه، نواحی، شهرها و روستاها (ضمن خصلت فضایی) با نگرش به جنبه های مختلف است. برنامه ریزی منطقه ای به واسطه ارائه راه های رشد و توسعه منطقه دارای خصلت بخشی و اقتصادی است و به واسطه توجه به عمران مناطق و نواحی دارای خصلت فضایی است. در واقع برنامه ریزی منطقه ای، تصمیم گیری و سرمایه گذاری در پروژه ها در سطح منطقه، در راستای توسعه اقتصادی، اجتماعی و کالبدی مناطق مختلف کشور است

۲-۲- زمینه شکل گیری برنامه ریزی منطقه ای: اختلاف سطح میان روستاها، روستاها و شهرها، شهرها و شهرها، مناطق، درون مناطق، بین مناطق و کشورها جهت حصول به یک حداقل قابل قبول ملی و بین المللی از نظر اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، ضرورت سرمایه گذاری های ملی و منطقه ای، نگهداشت جمعیت در پهنه سرزمین، استفاده از تکنولوژی مناسب و نیل به توسعه پایدار، خود به خود ضرورت برنامه ریزی منطقه ای را اجتناب ناپذیر نموده است.

۲-۳- توسعه منطقه ای: چند دهه ای است که مفهوم توسعه با اصطلاح برنامه ریزی پیوند تنگاتنگی پیدا کرده و به عنوان هدف کلان برنامه ریزی در حوزه عمومی دنیا پذیرفته شده است (توکلی نیا و شالی، ۱۳۹۱: ۲). نابرابری منطقه ای، توزیع نابرابر فرصت های اجتماعی و اقتصادی در مناطق کشور است. نابرابری منطقه ای در هر جامعه ای می تواند جلوه های مختلفی داشته باشد. به لحاظ نظری پنج رویکرد کلی را می توان در رابطه با نابرابری منطقه ای از هم تمیز داد.

جدول ۱: سیر نظریات توسعه منطقه ای

عنوان	نظریه
رویکرد نهائون	مبتنی بر اصول نئوکلاسیک تعادل اقتصادی است، بر اهمیت تخصیص منابع از طریق بازار تأکید دارد، که با توسعه اقتصادی و بازارهای مختلف، نابرابری منطقه ای

¹ . Regional Planning



نیز کاهش می یابد (چلبی، ۱۳۸۴:۲۰۱).	
نابرابری فضایی را ناشی از عملکرد بازار سرمایه داری می داند.	رویکرد نهادگرایان
معتقد به انتشار فضایی رشد است که این می تواند خالق نوآوری ها در اقتصاد فضا باشد.	رویکرد انتشاریون
در این رویکرد سه دیدگاه (مارکسیستی، وابستگی و دیدگاه مبادله نابرابر) وجود دارند که هر کدام نابرابری فضایی را ناشی از عوامل مختلفی می دانند.	رویکرد رادیکال
به نظریه تفکیک نابرابر پل کولومی (۱۹۸۵) تعلق دارد. این رویکرد روند عمده تغییرات اجتماعی را تفکیک ساختاری می داند (نظم فر و دیگران، ۱۳۹۴:۶).	رویکرد پنجم
توسط فرانر و پرو برای نخستین بار در دهه ۵۰ و ۶۰ همچنین توسط میردال اقتصاددان سوئدی و همکاران توسعه، بیانگر تلاش به منظور کاهش فاصله بین مناطق و رشد نواحی عقب مانده بوده است (توکلی نیا، ۱۳۹۱:۳).	طرح مفهوم قطب رشد
مفهوم توسعه به کاهش یا از میان رفتن فقر، بیکاری، نابرابری و تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی گرایش پیدا کرد. در مبانی جدید توسعه، راه ورود انسان و جنبه های زندگی وی در نظر گرفته شد و به این نتیجه رسیدند که محتوی اصلی آن تأمین نیازهای اساسی، بهبود بخشیدن به شرایط زیستی افراد جامعه است (زیاری، ۱۳۸۰:۹۴).	انتقاد از این نظریه ها در دهه ۱۹۷۰

۲-۴- نیاز به یک رویکرد مکان محور برای توسعه منطقه ای: نیاز به یک رویکرد مکان محور برای توسعه منطقه ای مبتنی بر شرایطی است که در آن اختلافات اقتصادی-اجتماعی بین مناطق در نظریه های مورد تجزیه و تحلیل، با اشاره به تاثیر فناوری در توسعه اقتصادی، موقعیت جغرافیایی، اختلافات نهادی و استقرار فعالیتهای اقتصادی در شهرهای بزرگ و در مجاورت آنها متفاوت تفسیر می شود. OECD^۱ رویکرد مبتنی بر مکان را الگویی جدید برای تدوین و حل مشکلات در سیاست های منطقه ای خواند که نشان می دهد رشد اقتصادی به مهارت مدیریت منابع وابسته است. چندین سازمان بین المللی بانک جهانی (World Bank, 2008; EU, 2009; OECD, 2009) در جستجوی یک رویکرد یکپارچه در حال لزوم اجرای رویکرد مکان محور هستند که ویژگی های قلمرو، منابع سرزمینی و ظرفیت نهادی را برای مدیریت آن ها و پتانسیل توسعه منطقه در نظر می گیرد. طرفداران سیاستهای مبتنی بر مکان، عموماً توانمندسازی دولت های محلی را فرصتی برای افزایش چشم انداز توسعه محلات می دانند. اغلب انتظار می رود که تصمیم گیرندگان محلی به اندازه کافی به مناطقی که مسئولیت انجام دقیق آن ها را دارند نزدیک هستند پس شرایط و ویژگی های محلی مربوطه را به خوبی شناسایی و ارزیابی می کنند. توانمندسازی محلی به طور موثر به این مقامات استقلال، اختیارات و منابعی را که قبلاً در اختیارشان نبوده اعطا می کنند تا بدین وسیله بتوانند سیاست هایی را اتخاذ کنند تا به وسیله ی آن از نیروها و پتانسیل های موجود حداکثر استفاده را داشته باشند. سیاست گذاران می توانند آگاهی خود را از واقعیت های محلی برای طراحی و اجرای انواع سیاست های متناسب با زمینه که احتمالاً در غیر این صورت تحقق نمی یابد استفاده کنند و تصمیماتی که انتظار نمی رود در یک سیستم متمرکز گرفته شوند، اما کاملاً ضروری به نظر می رسند با توجه به منحصر به فرد بودن هر قلمرو، اتخاذ

¹. Organisation for Economic Co-operation and Development
۱۸ of ۴Page



گردند. این متناسب سازی سیاست های عمومی با نیازهای محلی بیشترین مزیت توانمندسازی محلی است (Lee Pugalís ,Nick Gray: 2016).

رویکردهای توسعه مبتنی بر مکان در سراسر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به طور یکسان به کار گرفته شده اند و آن‌ها به سه اصل متکی هستند:

۱. پیش بینی می شود که رویکردهای توسعه مبتنی بر مکان ، مزایای اقتصادی - اجتماعی را به همراه داشته باشد.
۲. رویکردهای توسعه مبتنی بر مکان برای پیگیری عادلانه تر و فراگیرتر رشد اقتصادی مناسب هستند.
۳. رویکردهای توسعه مبتنی بر مکان می توانند در محیط های مختلف با مقیاس های متنوع و به طور عینی پیش بینی شوند.

با این حال، استراتژی های توسعه مبتنی بر مکان بسیار وابسته به زمینه بوده و از یک مکان به مکانی دیگر متفاوت هستند. با این وجود، اشتراکات خاصی وجود دارد که به طور کلی شامل مداخلات در یک یا بیشتر از چهار محور اصلی توسعه خواهند شد:

۱. استراتژی هایی با هدف افزایش رقابت شرکت های محلی.
۲. استراتژی هایی با هدف جذب سرمایه گذاری داخلی.
۳. استراتژی هایی با هدف بهبود سرمایه انسانی و مجموعه مهارت های محلی.
۴. استراتژی های هدف قرار دادن تنگنا های زیرساختی و توسعه زیرساخت های جدید.

این عوامل ارکان اساسی تعیین کننده پتانسیل توسعه یک سرزمین را نشان می دهند (Lee Pugalís ,Nick Gray: 2016).

رویکرد مبتنی بر مکان ، یک استراتژی توسعه منطقه ای است که بهترین استفاده را از منابع درون زا می کند. این ویژگی با هماهنگی تلاش های ذینفعان مختلف منطقه ای از جمله نهادهای دولتی، صنایع خصوصی، موسسات آموزشی، شهروندان و سازمان های مختلف غیردولتی و همه سطوح دولتی مشخص می شود. سیاست مبتنی بر مکان به طور خاص برای توسعه مزایا، تخصص ها و توانایی های موجود و گسترش آنها به مسیرهای رشد جدید در یک منطقه طراحی شده است. اینها، به نوبه خود، ریشه در تاریخ، فرهنگ و جغرافیای یک مکان دارند. تاکید بر مکان و دانش به جای بخش های خاص است. بنابراین سیاست های مبتنی بر مکان در جهت استفاده از ویژگی های محلی، پیچیدگی و بهم پیوستگی جهت دامن زدن به رشد محلی و فراگیر تر است. رویکرد مبتنی بر مکان، نظریه های کلیدی را ترکیب می کند که ویژگی های یک مکان، منابع و موسسات موجود و همچنین عناصر اضافی مانند همکاری، سازگاری، قابلیت مدیریت منابع و تعامل عناصر مختلف محلی را برجسته می کند. این یک سنتز سیاستی از سه نظریه اقتصادی است که از جنبه هایی مانند سرمایه انسانی و نوآوری (نظریه رشد درون زا) ، تجمع و فاصله (جغرافیای اقتصادی جدید) و موسسات (اقتصاد نهادی) به هم پیوسته اند (European Union, 2019):

الف) تئوری رشد درون زا^۱: رشد اقتصادی را نتیجه مستقیم فرآیندهای داخلی می داند و توسعه منابع انسانی از طریق

¹ . Endogenous growth



فناوری های جدید و همچنین تولید و خدمات کارآمد به رشد اقتصادی کمک می کند. حامیان این نظریه بر ضرورت خلاقیت نهادهای دولتی و بخش خصوصی تاکید دارند، زیرا دانش رشد اقتصادی را تعیین می کند. سیاست های گشودگی، همکاری، تغییر و نوآوری می تواند به رشد کمک کند، در حالی که سیاست های متمرکز بر محدودیت هایی مانند محافظت از انواع خاصی از تولید یا خدمات، رشد را در طولانی مدت مختل می کنند. عوامل درون زای رشد منطقه ای مولفه هایی در سیستم اقتصادی اجتماعی و فرهنگی منطقه هستند، مانند توانایی کارآفرینی، عوامل تولید محلی (نیروی کار و سرمایه) و همچنین مهارت های رابطه ای بازیگران محلی که دانش جمعی و ظرفیت تصمیم گیری تولید می کنند. این امر عوامل اقتصادی و اجتماعی محلی را قادر می سازد تا روند توسعه را هدایت کنند، از آن در حین تغییر و نوآوری حمایت کنند و آن را با اطلاعات و دانش خارجی برای تشویق رشد غنی کنند.

ب) نظریه جدید جغرافیای اقتصادی^۱: ارتباط بین موقعیت مکانی و توسعه اقتصادی در کشورها و مناطق را توضیح می دهد. این روش با تأکید بر نقش مناطق در ایجاد یک فضای دوستانه تجاری، رویکرد انعطاف پذیرتری را در استفاده از فضای جغرافیایی برجسته می کند. این فرض را می گیرد که تعاملات بین نهادها و جغرافیا برای توسعه بسیار مهم است و سیاست توسعه باید این تعاملات را تشویق کند. در یک رویکرد مبتنی بر مکان، درک تاثیرات احتمالی یک سیاست مستلزم تعاملات بین نهادها و جغرافیا است تا به صراحت زمینه محلی و گسترده منطقه ای را در نظر بگیرد.

ج) نظریه اقتصاد نهادی^۲: بر نهادها متمرکز است و دلیل اصلی آن این است که مناطق دارای منابع سرزمینی مشابه، از جوامع و اقتصاد متفاوت برخوردار هستند. این به معنای تعامل عمیق و هماهنگ دولت های منطقه ای و محلی در دستیابی به نتایج توسعه ملی کوتاه مدت و بلند مدت است. این امر همچنین مستلزم پرورش ترتیبات خاص نهادی برای حفظ گفتگو بین بخشهای دولتی و خصوصی، دانشگاه ها و موسسات آموزشی و سازمانهای غیر دولتی مستقر در جامعه است.

هر سه رویکرد با یک قلمرو ارتباط ناگسستنی دارند و ساختار روابط اجتماعی و اقتصادی منحصر به فرد قلمرو را تعیین می کنند. از آنجا که شرایط محلی رقابت سیستم تولید محلی را تعیین می کند و ماندگاری آن را در طول زمان تضمین می کند، فضا به یک عامل فعال در توسعه تبدیل می شود. بنابراین ویژگی، پیچیدگی و بهم پیوستگی یک سرزمین از قسمتهای اساسی استراتژی سیاست توسعه است. از این لحاظ، استراتژی های مکان محور با سیاست های از بالا به پایین متفاوت است، که از نظر بانک جهانی اغلب به عنوان سیاست های بی طرف شناخته می شوند، جایی که دولت های مرکزی یک راه حل متناسب با رشد اقتصادی را دنبال می کنند (European Union, 2019).

هدف اصلی یک رویکرد مبتنی بر مکان کاهش ناکارآمدی مداوم و نابرابری در مکان های خاص است. یک رویکرد مبتنی بر مکان برای به حداکثر رساندن بازده سرمایه گذاری عمومی نه تنها با سرمایه گذاری در مناطق دارای قدرت اقتصادی، بلکه با کمک به مکان های کمتر توسعه یافته برای به حداکثر رساندن پتانسیل آنها است. در صورت عدم تعادل کامل، ناتوانی مداوم بعضی از مکان ها در استفاده حداکثری از توان اقتصادی خود به معنای نه تنها نتایج اقتصادی بهینه برای ساکنین نیست بلکه رشد کل ملی را نیز کاهش می دهد، تمرکز بر مکانهایی با اقتصاد ضعیف تر، ابعادی کاملاً مثبت به تفکر مبتنی

¹ . Economic geography

² . Institutional Economics



بر مکان را به معنای حمایت از همه مردم از طریق تمرکز بر همه مکانها نشان می دهد. بنابراین، هدف تعیین کننده توسعه مبتنی بر مکان در مورد افزایش و به حداکثر رساندن توانایی ها است که متمایز از حالت های جبرانی توسعه منطقه ای است. این درک خاص از روشهای مبتنی بر مکان، بر مزایای شناسایی پتانسیل های یک مکان و استفاده طیف وسیعی از دانشهای موجود به عنوان ابزاری برای ابداع استراتژی های یکپارچه و بلند مدت برای پیمایش مسیرهای خاص توسعه تأکید می کند (Lee Pugalís, Nick Gray: 2016).

جدول ۲: الگوی قدیمی و جدید توسعه منطقه ای

[Lee Pugalís, Nick Gray: 2016]

الگوی جدید	الگوی قدیمی	
بهره گیری از پتانسیل های استفاده نشده در همه مناطق برای افزایش رقابت منطقه ای	جبران معایب موقعیت های مکانی، برای مناطق عقب مانده به طور موقت.	اهداف
مناطق اقتصادی کارکردی	واحدهای اداری	واحد مداخله
پروژه های توسعه یکپارچه	رویکرد بخشی	استراتژی ها
ترکیبی از سرمایه نرم و سخت (سهم سرمایه، بازار کار، محیط کسب و کار، سرمایه اجتماعی و شبکه ها)	یارانه ها و کمک های دولتی	ابزارها
سطوح مختلف حکومتی	دولت مرکزی	بازیگران

رویکرد مبتنی بر مکان دارای سابقه فکری طولانی است. با این حال، کاربرد این استدلال به ویژه برای شرایطی مناسب است که اقتصادها در حال تجربه انتقال های اساسی به سمت تعادل جدید هستند، مانند دوره فعلی جهانی شدن، که در آن فرآیندهای انتقال کوتاه مدت و میان مدت ممکن است به شدت بر بلندمدت تأثیر بگذارند. در اصل، رویکرد مکان محور دو جنبه اساسی دارد: اول، رویکرد مکان محور فرض می کند که زمینه جغرافیایی واقعاً مهم است. دوم، رویکرد مبتنی بر مکان نیز بر مسئله دانش در مداخله سیاست ها متمرکز است. تله های توسعه نیافته که پتانسیل رشد مناطق را محدود و مهار می کنند و یا محرومیت اجتماعی را تداوم می بخشند، نتیجه عدم موفقیت نخبگان محلی در عمل است و فقط با دانش و ایده های جدید می توان با آنها مقابله کرد. هدف سیاست توسعه این است که آنها را از طریق تعامل آن گروه های محلی و نخبگان خارجی که در این سیاست مشارکت دارند، بهبود بخشد. شاید بهترین گزارش در مورد حمایت از استراتژی های مبتنی بر مکان، گزارش مستقل بارسا (۲۰۰۹) با عنوان "دستور کار سیاست انسجام اصلاح شده" باشد. این گزارش نظری اساساً بیانگر این است که سیاستهای مبتنی بر مکان بهترین راه برای مقابله با "عدم استفاده مداوم از پتانسیل و کاهش محرومیت اجتماعی مداوم" است. در تمام مناطق اروپا این گزارش با استفاده از یک چارچوب نهادی، کمبود ظرفیت یا تمایل



نخبگان محلی را که توسط مداخلات عمومی در مکان های دیگر ترویج یا به ثمر رسیده اند، توسعه نیافتگی را در یک مکان دنبال می کند. اقدام سیاست خارجی به عنوان راهی برای ایجاد تغییرات درون را تلقی می شود و سپس توازن بین نیروهای برونزا و درون را ایجاد می کند که توسط آن بازیگران محلی اهداف تعیین می کنند و پروژه ها را طراحی می کنند، در حالی که "آژانس توسعه" خارجی شرایط عمومی را تعیین می کند. رویکرد مبتنی بر مکان فرض می کند که تعاملات بین موسسات و جغرافیا برای توسعه بسیار مهم است و بسیاری از سرنخ های سیاست توسعه در این تعاملات نهفته است. برای درک تأثیرات احتمالی یک سیاست، تعاملات بین موسسات و جغرافیا به این دلیل ما را ملزم می کند که به طور صریح مشخصات زمینه محلی و گسترده منطقه ای را در نظر بگیریم. تأکید رویکرد مبتنی بر مکان بر تعاملات بین موسسات و جغرافیای اقتصادی نیز برای دستیابی به توسعه از طریق رویکردهای متشکل برای سازماندهی فضا، تا حدودی عرضی را ارائه می دهد. به همین ترتیب، با این استدلال مناطق کلان شهری، مناطقی با اندازه های مختلف شهر از جمله شهرهای متوسط و کوچکتر، و حتی در درجه اول مناطق روستایی، همگی می توانند با دستیابی به سطوح بالای بهره وری در فعالیت ها، سهم قابل توجهی در رشد اقتصادی داشته باشند. از این منظر، اقتصاد به عنوان یک کل می تواند با توسعه مکان هایی در اندازه ها و تراکم های مختلف، به مرز تولید کل خود برسد، زیرا عملکرد سیستم شهری و منطقه ای به عنوان یک کل، بسیار مهم است. با این حال، هر سیاستی، صرف نظر از اینکه فضایی کور باشد یا یک سیاست مبتنی بر مکان باشد، که بر نقش اصلی ایجاد دانش و توانایی ذینفعان این سیاست تأکید دارد، همیشه با مشکلات اصلی عامل فرصت طلبی و رانت جویی از طرف ذینفعان روبه رو است. بدین ترتیب، موفقیت در سیاست های مکان محور مستلزم آن است که بازیگران محلی و منطقه ای نقشی سازنده و پیشرو در سیاست داشته باشند. بنابراین روند این سیاست به عنوان رویکردی شناخته می شود که نخبگان محلی و همه بازیگران درون را با عوامل خارجی در تعامل هستند. استدلال مبتنی بر مکان نشان می دهد که استراتژی های توسعه باید در نتیجه بر مکانیزمی متمرکز شوند که از قابلیت های محلی استفاده می کنند و ایده های نوآورانه را از طریق تعامل دانش محلی و عمومی و بازیگران درون را و برونزا در طراحی و ارائه سیاست های عمومی ترویج می دهند (Fabrizio Barca, 2012).

استراتژی های مبتنی بر مکان فرصتی جدید و جالب برای تجدید نظر در استراتژی های توسعه را نشان می دهند. و به افراد در هر نوع منطقه و جایگاهی این باور را می دهند تا بجای منتظر ماندن، فکر کنند و با استفاده از قابلیت های موجود سعی برای تغییری اساسی داشته باشند.

۲-۵- تجربیات توسعه ی مکان محور

آفریقا: با توجه به نتایج محدود توسعه خاص منطقه ای و سیاست های ورود فضایی در آفریقا تاکنون، با هدف میان مدت و بلند مدت، برای همه سطوح دولت به رویکردهای جدیدی نیاز است. چالش های جمعیتی و مکانی مختلف و گسترده آفریقا ایجاب می کند که مردم و مکان ها در مرکز استراتژی های توسعه، جایی که سیاست های بخشی بیان می شود، باشند. این استراتژیهای مبتنی بر مکان باید نگاه دقیق تری به سطوح فراملی و فرامرزی داشته باشند، جایی که پتانسیل استفاده نشده اقتصادی مناطق آفریقایی نهفته است. و آنها باید با مشارکت ذینفعان اقتصادی و اجتماعی منطقه ای طراحی شوند و انجام شوند که در بهترین حالت برای شناسایی و فعال سازی منابع محلی هستند. استراتژی های توسعه لزوماً مختص هر کشور بوده و بسته به چالش های مختلف اقتصادی، جمعیتی و مکانی، رویکردهای مختلفی را با هم ترکیب می کنند.



تقریباً برای همه کشورها، تأمین مالی توسعه منطقه ای به تلاشهای فزاینده ای برای بسیج منابع داخلی در سطح ملی و تقویت مشروعیت مالی در سطوح محلی نیاز دارد (African Economic Outlook 2015).

استرالیا: در آن پژوهش سعی داشته اند تا با ارائه یک تحلیل انتقادی از رویکردهای مبتنی بر مکان و به ویژه مدیریت مکان ارزش و چالش چنین مواردی را برای سیستم برنامه ریزی NSW بررسی کنند. با پیگیری گفتمان رویکردهای متمرکز بر مکان، شکاف های موجود در زمینه استرالیا را شناسایی کرده و سیاست ها و ساختارهای نهادی را ارائه می دهند که پاسخ برنامه ریزی بهتری را نمایان می سازد (Mike Gillen, 2004).

اروپا: در آن پژوهش استدلال می شود که سیاست انسجام اتحادیه اروپا ۲۰۱۴-۲۰۲۰ مجدداً از جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی متعادل، به سمت چشم انداز سیاست رشد منطقه ای جهت گیری شده است که مسئله رقابت را پیش شرط همگرایی منطقه ای قرار می دهد. از طریق تجزیه و تحلیل دو مجموعه از اصلاحات سیاست انسجام جدید، یعنی رویکرد مبتنی بر مکان و شرایط، اولویت های موضوعی و ذخیره عملکرد، نشان می دهیم که سیاست انسجام جدید زمینه سیاست جدیدی را فراهم می کند که احتمالاً باعث تشدید سیاست های موجود خواهد شد (Vasilis Avdikos And Anastassios Chardas, 2016).

۳- روش پژوهش

۳-۱- روش پژوهش در این مطالعه از نوع تحلیلی است. که در مسیر این پژوهش ابتدا با استفاده از منابع مکتوب به توصیف رویکرد مکان محور پرداخته شد، سپس با مطالعه ای طرح توسعه منطقه ساحلی مکران جهات اصلی توسعه مشخص شده و نیروهای پیشران رویکرد مکان محور به روش مرور ادبیات استخراج می شوند. در نهایت پس از تایید پیشران ها توسط صاحب نظران با استفاده از نرم افزار میک مک عوامل کلیدی توسعه منطقه ساحلی مکران با رویکرد مکان محور ارزیابی شده و مورد تحلیل قرار گرفته است.

۳-۲- محدوده مورد مطالعه: مکران یا مکران یا مکران (بلوچی: مکران) نامیست که در طول تاریخ به مناطق جنوبی و بخشی از مناطق مرکزی بلوچستان که در امتداد ساحل مکران به طول ۶۰۰ مایل (حدوداً ۱۰۰۰ کیلومتر) از راس الکوه در غرب جاسک در ایران تا شرق لس بیل و نزدیکی بندر کراچی در پاکستان گسترده است، اطلاق می شده. منطقه مکران بخش های مرکزی و شرقی استان هرمزگان، جنوبی استان سیستان و بلوچستان و بخش کوچکی از جنوب مرکزی استان کرمان را شامل می شود. در دوره های مختلف تاریخی این منطقه خودمختار و تحت اداره خوانین محلی بوده است که گاهی خود را رعایای دولت ایران می نامیدند. کوه های خشک و بایر کرانه های مکران از دید جغرافیای طبیعی دنباله کویر است، که تا آنجا گسترش یافته.

۴- یافته های پژوهش

۴-۱- طرح توسعه منطقه ساحلی مکران



با مطالعه طرح توسعه منطقه ساحلی مکران جهات توسعه در جدول شماره ۴ استخراج شد. در طرح توسعه منطقه به ۳ رویکرد (برون زا، شبه برون زا و درون زا) توجه شده است. برای اینکه توسعه درون زا و توسعه برون زا به یک میزان مورد توجه قرار بگیرد طرح توسعه منطقه را بر اساس رویکرد شبه برون زا تنظیم کرده اند.

جدول ۳: رویکرد کلان توسعه منطقه ساحلی مکران

[طرح ویژه توسعه و عمران منطقه ساحلی مکران. ۱۳۹۷]

مقوله	توسعه برون زا	توسعه شبه برون زا	توسعه درون زا
پشتوانه نظری	نظریه قطب رشد و علیت تجمعی و تجارت جهانی و جهانی سازی	رویکرد تلفیقی درون زا و برون زا	رویکرد اقتصاد جغرافیایی جدید و نومنطقه گرایی
نحوه تامین سرمایه	جلب سرمایه های برون منطقه ای در هماهنگی کامل با ساختارهای جریان های جهانی تولید، سرمایه، نیروی کار و ... به منظور کاهش نابرابری در سطح منطقه	استفاده توأمان از سرمایه درونی (محلی و منطقه ای) و بیرونی (ملی و فراملی) در توسعه	۱. بسیج سرمایه های درون منطقه ای ۲. جلب سرمایه گذاری بیرونی در چارچوب ساختارهای اقتصادی اجتماعی منطقه
نهادهای	۱. اهمیت نهادهای دولتی و ملی به عنوان پشتیبان توسعه ۲. ایجاد نهادهای جدید برون منطقه ای	۱. توجه به نهادهای شبکه ای (ملی، منطقه ای و محلی) ۲. اتصال و شبکه ای کردن نهادهای منطقه ای و فرا منطقه ای	۱. کم اهمیت شمردن نقش نهادهای ملی و جهانی در توسعه محلی و اهمیت ارتباط با نیروهای بیرونی ۲. تقویت، توانمندسازی و رسمیت بخشیدن به نهادهای موجود منطقه ای
رویه توسعه	توسعه تک مقیاسی از بالا به پایین و نقش بسیار ضعیف نهادهای محلی در توسعه	توسعه منطقه ای چند مقیاسی	توسعه تک مقیاسی از پایین به بالا کنترل شونده از سوی نهادهای محلی
مشارکت	تاکید بر شراکت (Partnership)	تاکید بر توانمندسازی منطقه و تقویت سرمایه انسانی و مشارکت کامل مردم و شراکت سازمانی	تاکید بر توانمندسازی و مشارکت کامل مردم در فرآیند توسعه
نیروی انسانی	استفاده از نیروهای متخصص بیرونی در توسعه مناطق کم تر توسعه یافته	جهانی شدن در عین محلی شدن (glocalization) جهان محلی با تاکید بر آموزش و تربیت سرمایه های انسانی	تاکید بر سرمایه انسانی توانمندسازی شده منطقه ای
خوشه های عملکردی	تاکید بر خوشه ها و تجمع های فعالیتی برون زای (عموماً دولتی) براساس راهبردها و تقسیم کار ملی و جهانی	اتصال راهبردی : هدایت و باز تنظیم نیروهای رشد محلی در راستای نیازهای راهبردی عوامل فرا محلی در خوشه های	تاکید بر خوشه های دانشی درون زا



توسعه			
دانش و یادگیری	استفاده از دانش بیرونی و Codified	استفاده توامان از دانش درونی و بیرونی	۱. تاکید بر محیط و شبکه های دانشی و یادگیری و محیط نوآوری و کارآفرینی منطقه ای ۲. ترویج فرایندهای یادگیری و دانش Tacit
درآمد و اشتغال	تاکید بر درآمد و منفعت اقتصادی	تاکید بر درآمد و اشتغال پایدار و استفاده از منافع حاصل از رشد اقتصادی در توسعه داخل منطقه	تاکید بر اشتغال پایدار (توزیع و انتشار منافع توسعه و درآمد درون منطقه)
جریان جهانی سازی	توسعه مبتنی بر تقسیم کار و نیازهای جهانی	۱. توجه توامان به ابعاد جهانی و منطقه ای؛ توسعه منطقه ای در حال جهانی شدن: اتصال میان جریان ها و فضاها ۲. تاکید بر اقتصاد درون زای منطقه ای و در عین حال متصل کردن آن با بازار جهانی ۳. رابطه تکامل گرا میان عوامل محلی رشد اقتصادی و توسعه و عوامل بیرونی	پاسخ دهی محلی به نیازهای برآمده از چالش جهانی شدن
منابع انسانی و طبیعی	تاکید بر تامین منابع (مالی و انسانی) و سرمایه از خارج از منطقه	استفاده از منابع درونی در عین تعامل با بیرون و در صورت استفاده از منابع و فناوری های بیرونی تاکید بر درون زایی و انتشار آثار توسعه درون منطقه	تاکید بر استفاده از منابع مالی و انسانی درون منطقه و استفاده حداکثری از منابع بیرونی
زمان مورد نیاز توسعه	توسعه فوری و مقطعی	توسعه گام به گام با تاکید بر فناوری همراه با پروژه های ملی و بین المللی	تاکید بر توسعه بطئی و بلند مدت



۴-۲-اهداف و راهبردهای توسعه

هدف ۴: حکمروایی انسجام بخش و یکپارچه منطقه ای در راستای مأموریت محلی، ملی و فراملی	هدف ۱: توسعه فضایی پایدار، یکپارچه و ناب آور در برابر تنش های محیطی و قلمرویی
برقراری پیوستار زمانی از سبک سازماندهی «مدیریت تراکم زدا» به حکمروایی غیر	توسعه چند سطحی و شبکه ای به موازات نوار ساحلی در چارچوب ظرفیت برد پهنه های ساحلی
برقراری شبکه های هم پیوند و همکار به محوریت کانون های توسعه در دو منطقه سه	اولویت دهی به کشاورزی مبتنی بر اقلیم و محدودیت های منابع آب (محصولات گرمسیری و شوروری)
تقویت سازوکارهای شفافیت و پاسخگویی نهادهای منطقه ای و محلی	توسعه متمرکز گردوری با محوریت بزرگراه ساحلی
هدف ۵: رقابت پذیری ارتقاء یافته سرزمینی و فراسرزمینی	توسعه ناب آور مبتنی بر تنش و فقر آبی و حوادث طبیعی منطقه ای و برقراری شیوه های نوین فعالیت و تأمین زیر ساخت
ارتقای بهره وری در بخش های متنوع فعالیت با تأکید بر اقتصاد دریامحور	برقراری پیوندهای امن کننده فراملی با تأکید بر محورهای ساحلی و فرامنطقه ای
افزایش کیفیت زندگی و جذابیت منطقه برای سکونت، فعالیت و سرمایه گذاری با	هدف ۲: اقتصاد سبز، متنوع و پایدار دریامحور، مبتنی بر جذب سرمایه های بیرونی و درونی
کانون های اصلی توسعه	ترویج و تقویت الگوها و فعالیت های توسعه ای دریامحور مبتنی بر اقتصاد آبی
اولویت بخشی بر توسعه خوشه ای و تکمیل زنجیره های تولید	بسیج منابع ملی و بین المللی در پیوند با منابع محلی در راستای اقتصاد مولد و بالنده
شکل دهی به مناطق یادگیری (Learning Region) با هدف درونزا و نهادینه کردن	تنوع بخشی به ساختار اقتصادی با تکیه بر دارایی های درونی منطقه و پتانسیل های بیرونی
اولویت بخشی به توسعه مبنی بر بنادر (PDS) از طریق تعیین عرصه های دارای اولویت	توسعه و تجهیز شبکه های یکپارچه گردشگری طبیعی (بوم گردی)
بندر گاهی (PPDA)	هدف ۳: شبکه های عملکردی - کالبدی هم یارانه درون منطقه ای در پیوند و اتصال با
ارتقای آوازه منطقه در قضا های ملی و فراملی مبتنی بر رویکردهای برندسازی	فضای سرزمینی و فرا سرزمینی
(Place Branding)	شکل دهی به شبکه ها و گردوری های دریایی ملی و فراملی به مرکزیت مکران
هدف ۶: کاهش فقر در آمدی و قابلیت (چندبعدی) و تحقق عدالت فذ	انسجام بخشی به مراکز زیست و فعالیت کوچک و پراکنده (به ویژه در نوار ساحلی) در غالب
ظرفیت سازی سرمایه های انسانی (HDI) جهت بهبود فقر قابلیت و چندبعدی	منظومه های سکونتگاهی در پیوند با مراکز بزرگ حامی
ارتقاء برابری و دربرگیرندگی اجتماعی فرآیندهای توسعه	اتصال پذیری و ارتباط پذیری عملکردی و کارکردی منطقه در قالب شبکه های ملی و فراملی
بهبود شاخص امنیت غذایی با تأکید بر منابع قابل استطاعت، قابل دسترس و با ۴	(خروج از کنارتادگی جغرافیایی نسبت به سرزمین) به منظور بهره گیری بیشینه از فضای
توزیع فضایی عادلانه فرصت ها و خدمات زیر ساختی با تأکید بر شبکه های پستی	جریان های جهانی
محوریت کانون های توسعه	توسعه شبکه ای - گردوری به مرکزیت قطب های جابهار - کنارک، جاسک و میناب
توانمندسازی اجتماعات محلی و آموزش نیازمنا و توسعه محور	
هدف ۷: تشخیص و خود آگاهی بهبود یافته منطقه ای در راستای هم پیوندی و یکپارچگی اجتماعی	
تقویت سرمایه های اجتماعی پیوندی و شکل دهی به شبکه های همکاری جامعه بومی در کسب و کار	
مشارکت پذیری و توانمندسازی اجتماعات محلی در فرایندهای توسعه	
اتصال جامعه محلی به فضای رقابت منطقه ای و فرا منطقه ای از طریق هویت برنامه دار	

شکل ۱: اهداف و راهبردهای توسعه منطقه ساحلی مکران

[طرح ویژه توسعه و عمران منطقه ساحلی مکران: ۱۳۹۷]

۴-۳-شناسایی نیروهای پیشران

جهت شناسایی نیروهای پیشران رویکرد مکان محور از مرور ادبیات و منابع موجود استفاده گردید که در جدول شماره ۵ مشاهده می کنید.

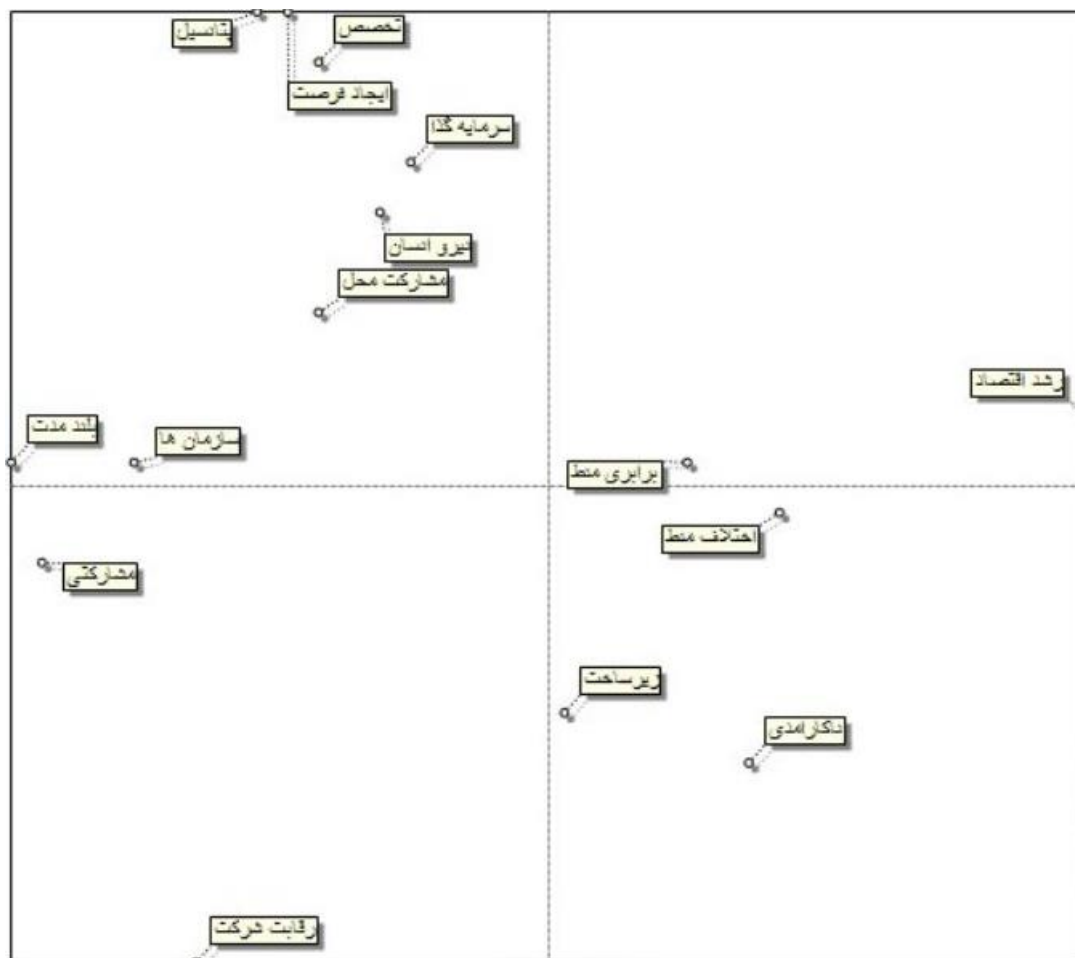
جدول ۴: پیشران های رویکرد مکان محور

منبع	عامل
	• رقابت شرکت های محلی



Andrés Rodríguez_2016	• سرمایه گذاری داخلی • نیروی انسانی بومی • توسعه زیرساخت های جدید • رشد اقتصادی عادلانه
Lee Pugalís, Nick Gray: 2016	• استفاده از پتانسیل های درونی • سازمان ها و نهاد های محلی • مشارکت مردم محلی • استراتژی توسعه بلند مدت • ایجاد فرصت برای همه مکان ها • افزایش برابری در منطقه • کاهش ناکارآمدی مداوم • کاهش اختلاف منطقه ای
European Union, 2019	• توسعه پتانسیل، توانایی و تخصص موجود جهت رشد • فرآیند مشارکتی

باقرار دادن پیشران های فوق در ماتریس (۱۵*۱۵) تاثیرات مستقیم (MDI) در نرم افزار میک مک، تاثیرات هر کدام از نیروهای پیشران رویکرد مکان محور تعیین گردید که در نمودار شماره ۱ و جدول شماره ۶ نشان داده شده است.



شکل ۲: تاثیرات مستقیم پیشران های رویکرد مکان محور

جدول ۵: وضعیت هر یک از پیشران ها بر اساس تحلیل در نرم افزار میک مک

ردیف	نوع متغیر	متغیر
۱	تاثیر گذار	ایجاد فرصت برای همه مکان ها، استفاده از پتانسیل درونی، توسعه پتانسیل و توانایی و تخصص موجود جهت رشد، سرمایه گذاری داخلی، نیروی انسانی بومی، مشارکت مردم محلی، استراتژی توسعه بلند مدت، سازمان ها و نهاد های محلی
۲	دو وجهی	ریسک: رشد اقتصادی عادلانه هدف: افزایش برابری در منطقه
۳	تاثیر پذیر	کاهش اختلاف منطقه ای، توسعه زیرساخت های جدید، کاهش ناکارآمدی مداوم
۴	مستقل	فرآیند مشارکتی، رقابت شرکت های محلی

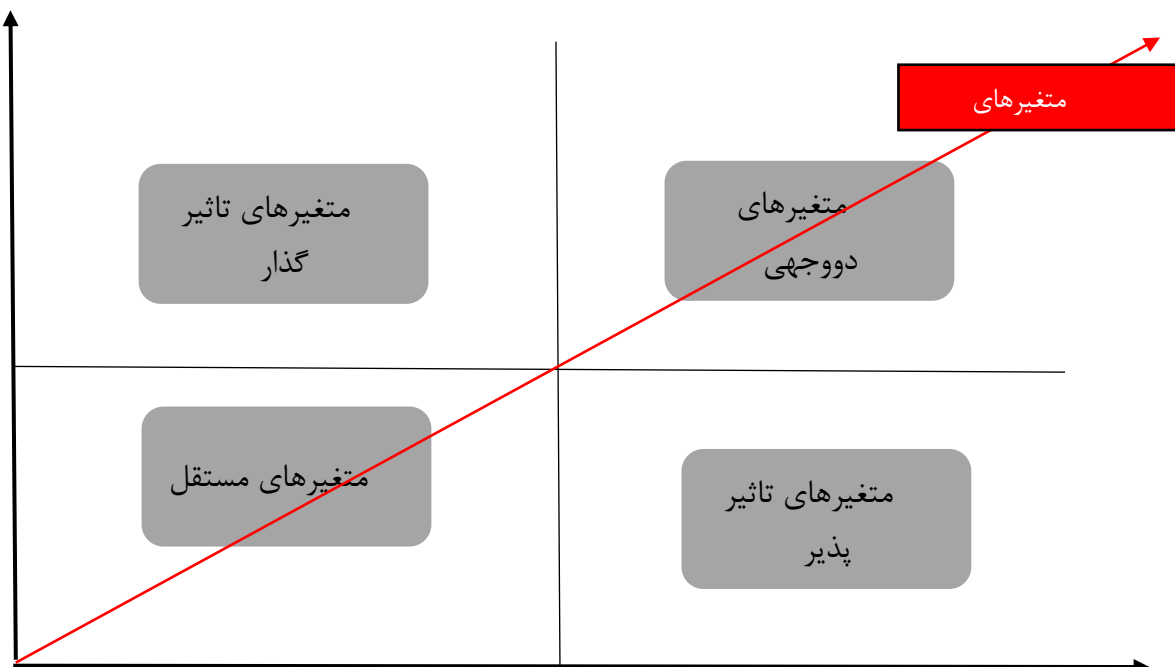


در این مطالعه منظور هر یک از متغیرها به شرح زیر می باشد:

۱. تاثیر گذار: متغیرهای ناحیه ۲ نمودار هستند که بیشترین تاثیر گذاری و کمترین تاثیر پذیری را دارند، این متغیرهای معمولاً به عنوان ورودی می باشند و توسط سیستم قابل کنترل نیستند.
۲. دو وجهی: متغیرهای ناحیه ۱ نمودار هستند که تاثیر گذاری و تاثیر پذیری بالایی دارند که به دو دسته ریسک و هدف تقسیم می شوند.
۳. تاثیرپذیر: متغیرهای ناحیه ۳ نمودار هستند که تاثیر گذاری پایین و تاثیرپذیری بالایی دارند و خروجی سیستم می باشند.
۴. مستقل: متغیرهای ناحیه ۴ نمودار هستند، این متغیرها از سیستم و از متغیرهای سیستم تاثیر نگرفته و بر آن ها تاثیری هم ندارند.

۴-۴- شناسایی متغیرهای استراتژیک (عوامل کلیدی):

این متغیرها دو ویژگی بسیار مهم دارند اول اینکه قابل کنترل باشند و مورد بعد اینکه بر پویایی و تغییر سیستم تاثیر گذار باشند. بنابراین متغیرهای کلیدی خط قطری ناحیه ۱ و ۳ هستند که به دلیل برخورداری از این ویژگی ها می توانند جزء عوامل کلیدی سیستم باشند. هرچه از انتهای ناحیه ۳ به سمت انتهای ناحیه ۱ می رویم، بر میزان اهمیت و استراتژیک بودن متغیر افزوده می شود.



شکل ۳: متغیرهای استراتژیک



بنابراین می توان متغیرهای استراتژیک یا عوامل کلیدی رویکرد مکان محور را افزایش برابری در منطقه، رشد اقتصادی عادلانه، فرآیندی مشارکتی و در نهایت رقابت شرکت های محلی در نظر گرفت.

۵- نتیجه

روش های توسعه مکان محور گواهی می دهند که همه مکان ها پتانسیل هایی دارد که بلااستفاده باقی مانده اند و با توجه به این پتانسیل ها می توان موجبات رشد و توسعه منطقه را فراهم کرد، مقاله حاضر طرح توسعه منطقه ساحلی مکران را با این دید مورد ارزیابی قرار داده است. به طرح توسعه منطقه در سه بخش (برون زا، شبه برون زا، درون زا) توجه شده است. طرح منطقه ساحلی مکران به توسعه درون زا و برون زا به یک مقدار توجه داشته و جهت پاسخگویی به هر دو رویکرد، تلفیقی کلی از آن ها تحت عنوان رویکرد توسعه شبه برون زا را مبنای کار قرار داده است.

جدول ۶: رویکرد مکان محور و توسعه منطقه ساحلی مکران

رویکرد مکان محور	توسعه درون زا منطقه ساحلی مکران
شناسایی پتانسیل های درونی موجد و استفاده از آن ها در جهت رشد و توسعه منطقه.	تاکید بر استفاده از منابع مالی و انسانی درون منطقه و استفاده حداقلی از منابع بیرونی
سرمایه گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته برای به حداکثر رساندن رشد و توسعه آن ها.	۱. بسیج سرمایه های درون منطقه ای ۲. جلب سرمایه گذاری بیرونی در چارچوب ساختارهای اقتصادی اجتماعی منطقه
استفاده از نهادها و سازمان های محلی و منطقه ای برای نوآوری و توسعه درون زا.	۱. کم اهمیت شمردن نقش نهادهای ملی و جهانی در توسعه محلی و اهمیت ارتباط با نیروهای بیرونی ۲. تقویت، توانمندسازی و رسمیت بخشیدن به نهادهای موجود منطقه ای
استفاده از مردم بومی و مستقر در منطقه.	تاکید بر سرمایه انسانی توانمندسازی شده منطقه ای
استراتژی توسعه بلند مدت	تاکید بر توسعه بطئی و بلند مدت

طبق جدول شماره ۶ و ارائه مقوله های مختلف از توسعه درون زا منطقه که در طرح مورد توجه قرار گرفته است و ارزیابی آن با معیار های رویکرد مکان محور می توان متوجه شد که توسعه درون زا در منطقه هم جهت با رویکرد مکان محور می باشد.

با مطالعه و دقت روی اهداف و راهبردهای مشخص شده در طرح توسعه منطقه می توان متوجه مسائلی نظیر: اهمیت به منابع و جوامع محلی، مشارکت جوامع در امور و توسعه منطقه، ارتقاء برابری و کاهش فقر شد که مورد توجه قرار گرفته اند.

ولی به رغم همه ی تلاش ها و سیاست گذاری ها برای طرح توسعه سواحل مکران، با وجود همه پتانسیل ها و قوت های منطقه همچنین اینکه سواحل مکران به لحاظ ژئوپلیتیک بودن در منطقه مورد توجه ایران و جهان قرار دارد همچنان حرکت



توسعه‌ای و رفع موانع آن راهگشا و قابل قبول نیست. توسعه و آبادانی سواحل مکران می‌تواند راه‌های جدیدی را فراروی توسعه کشور باز کند، پس در این میان باید توسعه، عمران و آبادانی و به ویژه برنامه‌های توسعه اقتصادی در طرح توسعه سواحل مکران بیشتر دیده شود تا تأثیر گذاری بهتری در فرآیند اقتصادی پیدا کند، ولی با وجود اجرای بعضی از پروژه‌های این طرح، آنچنان که در حد و جایگاه توسعه آن باشد به سواحل مکران توجه ویژه ای نشده است. حال با توجه به عوامل کلیدی مشخص شده و ارزیابی آن‌ها نسبت به طرح توسعه منطقه ساحلی مکران به این نتیجه می‌رسیم که امروزه باید علاوه بر عوامل اقتصادی، توجه ویژه ای به بخش‌های اجتماعی و فرهنگی در طرح توسعه داشته و منطقه باید به نوعی برابری رسیده باشد. همچنین فضای رقابتی برای افزایش کارایی شرکت‌های محلی وجود داشته تا علاوه بر مشارکت و شکل دهی خوشه‌ها، به ارتقاء بازدهی آن‌ها ختم شود. با این وجود می‌بینیم که منطقه مکران هنوز در محرومیت بوده و راه زیادی برای رسیدن به وضعیت مطلوب پیش رو دارد. بنابراین آنچه از این بحث برمی‌آید، نیاز به توانایی سیاست‌های توسعه برای پاسخگویی به چالش‌های امروز و در نتیجه موثرتر و کارآمدتر از مداخلات گذشته است، رویکرد مکان محور تاکید می‌کند که این تلاش‌ها برای رشد و توسعه باید با در نظر گرفتن عواملی باشد که مبتنی بر مکان و مردم هستند.

در راستای گردآوری اطلاعات و درک مناسب از خواست‌های مردم بومی ساکن در منطقه بیماری کرونا، محدودیت‌ها و دیگر مشکلات موجود مانع از دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر بوده‌اند. پیشنهاد می‌شود در طرح توسعه منطقه توجه جدی به منابع و جوامع محلی و مشارکت آن‌ها در توسعه منطقه همچنین بستر مناسب برای آموزش نیروهای کار دانش بنیان جهت استفاده در مسیر رشد و توسعه منطقه ایجاد تا بتوانند با استفاده از پتانسیل‌های موجود در منطقه، موجبات رشد و توسعه آن‌ها را فراهم نمایند. علاوه بر این با وجود نیاز مبرم منطقه به توسعه، الزام است که تمرکز و حمایت بیشتری از سوی دولت‌ها به توسعه سواحل مکران شود.

منابع:

- بحرینی، سید حسین ۱۳۷۸. تجدد، فراجدد و پس از آن در شهرسازی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ترکان، اکبر؛ شهبازی، میثم. شناسایی سید طرح‌های توسعه سواحل مکران با استفاده از تحلیل، فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال چهارم - شماره ۱۳ از ۷ تا ۴۱.
- توکلی نیا، جمیله؛ شالی، محمد ۱۳۹۱. نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران، فصل نامه آمایش محیط، (۱).
- چلبی، مسعود؛ اکبری، حسین ۱۳۸۴. توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و نابرابری اجتماعی.
- طرح ویژه توسعه و عمران منطقه ساحلی مکران ۱۳۹۷. تهران. دانشگاه شهید بهشتی گروه توسعه فضایی سرزمین ایران.
- کلانتری، خلیل ۱۳۸۰. توسعه منطقه‌ای: نظریه‌ها و تکنیک، چاپ خوش بینی: تهران.
- محمدی، جمال؛ عبدلی، اصغر؛ بیرانوند، محمد ۱۳۹۱. بررسی سطح توسعه یافتگی شهرستانهای استان لرستان به تفکیک بخشهای مسکن و خدمات رفاهی - زیربنایی، کشاورزی و صنعت، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی.
- نظم‌فر، حسین؛ علی بخشی، آمنه؛ باختر، سهیلا ۱۳۹۴. تحلیل فضایی توسعه منطقه‌ای کرمانشاه با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال پانزدهم، شماره ۳۶.



REFERENCES:

- African Economic Outlook 2015: Regional Development and Spatial Inclusion
- Andres Rodriguez-Pose and Callum Wilkie. working paper prepared for Reinventing Our communities: Transforming our Economies Federal Reserve Bank of Philadelphia Biennial Conference, September 21-23, 2016
- Bhatia, V.K & Rai, S.C. 2004. Evaluation Of Socio- Economic Development in Small Areas, New Dehli, 23(1).
- Erkut, G. & Ozgen, C. 2003. The economic and spatial peripherality of border regions in South Eastern Europe, The 43rd European Congress of the Regional Science Association, pp. 23- 35.
- European Union, 2019: Implementing a place-based approach to EU industrial policy strategy.
- Fabrizio Barca and Philip McCann and Andres Rodriguez-Pose. 2012, THE CASE FOR REGIONAL DEVELOPMENT INTERVENTION: PLACE-BASED VERSUS PLACE-NEUTRAL APPROACHES: JOURNAL OF REGIONAL SCIENCE, VOL. 52, NO. 1, 2012, pp. 134–152
- Lee Pugalís and Nick Gray (2106), Australasian Journal of Regional Studies, Vol.22, No. 1, 2016, NEW REGIONAL DEVELOPMENT PARADIGMS: AN EXPOSITION OF PLACEBASED MODALITIES.
- MIKE GILLEN. 2004. Promoting Place: Elevating Place-Based Discourse and New Approaches in Local Governance in New South Wales.
- Todaro, M. 1990. Economic Development in Third World, Translated to Persian by Gholam Ali Farjadi, Tehran, First Printing.
- VASILIS AVDIKOS and ANASTASSIOS CHARDAS. 2016. European Union Cohesion Policy Post 2014: More (Place-Based and Conditional) Growth – Less Redistribution and Cohesion
- World Bank (2009), World Development Report 2009: Reshaping Economic Geography, Washington, DC: World Bank.